

انجمن استاد‌های تازه درگذشته در باغ بهشت!

دومینوی مرگ به عبدالوهاب شهیدی رسید



تصویر از آرزویی بود که درباره هنرمند داشتیم. همیشه می توانستم به عنوان یک هنرمند به او تکیه کنم؛ به اخلاق هنری و به اخلاق انسانی اش».

از زبان خودش

عبدالوهاب شهیدی که دارای دودکترای موسیقی درجه یک هنری؛ یکی برای ساز عود و دیگری برای آواز اصیلش بود؛ درباره خودش گفته: «زادگاه من، میمه اصفهان است و دوران دبستان را در این شهر گذراندم. پدرم میرزا حسن شهیدی ملقب به صدرا الاسلام و متخلص به طوبی از نوادگان شهید ثانی بودند. از دوران کودکی به موسیقی علاقه مند بودم و گاهی اوقات با خود آواز خواندن را زمزمه می کردم پدرم من را تشویق می کرد و می گفت: «در چهره ات می بینم که در این زمینه موفق خواهی شد و باید مسیر موسیقی را ادامه بدهی!» ۱۴ سال سن داشتم که پدرم فوت کرد. در واقع پشتیبان و استادم را از دست دادم. پدرم از روحانیون بود و به موسیقی احاطه کامل داشت و من چندین آواز را نزد ایشان آموزش دیدم. بعدها یعنی سال ۱۳۱۷ آموزش شدم و بعد به نظام وظیفه پیوستم و در ارتش ماندگار شدم و در حال حاضر هم بازنشسته ارتش هستم. تمامی این اتفاقات تقدیر من بود. طبیعت، این مأموریت را بر عهده من گذاشته بود و از خود اختیاری نداشتم. آن روزها تمام وقتم را صرف آموختن و رفتن به تئاتر می کردم. من پیش از آنکه به صورت جدی موسیقی را ادامه بدهم، به کار بازیگری تئاتر مشغول بودم و بعد از آشنایی با استاد مهرتاش، آموزش موسیقی را در محضر ایشان آموختم و به برنامه رادیویی گل ها وارد شدم و تعداد آثاری که از آن برنامه باقی مانده و آرشو شده است ۷۰ درصد آن اجرای من بوده است اما بعد از انقلاب نه اجرایی داشتم و نه نوار کاستی منتشر کردم و بدون آنکه بخواهم خانه نشین شدم.»

جایگاه هنری عبدالوهاب شهیدی او را «بزرگ مرد هنر آواز ایران» خطاب می کرد، در جشن یازدهم خانه موسیقی عبدالوهاب شهیدی را عمیقاً ستایش کرده بود: «او بزرگ مرد هنر آواز ایران است و سالیان درازی است که دستش را بوسیده ام و در حضور او کرنش کردم و هیچگاه به خود اجازه ندادم که در حضور او عرض هنر کنم و از این بابت که من آمده ام جایزه او را تقدیم کنم متأسفم، استاد مرا ببخش و من در اندازه ای نیستم که جایزه شما را بدهم». استاد شجریان همچنین درباره او گفته بود: «شهیدی همواره یک اعتبار و منش بزرگوارانه و انسانی در موسیقی ما بوده و هست، هر جا که شهیدی بود بالاترین عنوان هنر را داشت؛ چه در جشن هنر، چه در گل ها و چه در دیگر محافل هنری».

بغداد انقلاب، عبدالوهاب شهیدی نیز مانند بسیاری از موسیقین ها و خوانندگان کم کار شد. او که به گزارش روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۵۸ توسط دادگاه انقلاب اصفهان به چهار ماه حبس تأدیبی محکوم شده بود، با اینکه در دفاع، خود را هنرمندی مردمی نامید که جز مولای متقیان علی (ع) هرگز مدیحه سرای کسی نبوده، اما پس از آن عملاً برای همیشه از فعالیت در عرصه موسیقی کنار ماند. این در واقع پایان راه هنرمندی بود که با بزرگانی چون جلیل شهنواز، فرامرز پایور، پرویز یاحقی، جواد معروفی، علی اصغر بهاری، حسین تهرانی، رحمت الله بدیعی، حسن ناهید، محمدرضا شجریان و محمداسماعیلی هم همکاری داشته و بارها و بارها مورد تأیید و ستایش بزرگان دنیای هنر قرار گرفته بود.

سکوت

دوره های آوازی را از او آموخت. این هنرمند در یک دوره تئاتر نیز شرکت کرد و در چند موزیکال ساخته مهرتاش نیز نقش های اصلی ظاهر شده بود. شهیدی که کار رادیویی خود را از سال ۱۳۳۵ با برنامه ارتش آغاز کرد و رفته رفته از این تریبون نام و صدایش به گوش همگان رسید؛ از سال ۱۳۳۹ تا ۵۷، با اجرای بیش از ۲۳ برنامه گل های رادیو ایران، رتبه سوم بیشترین برنامه موسیقی در گل ها را در اختیار داشت که تا ۱۳۵۷ در رادیوی ملی ایران پخش می شد.

آثار

عبدالوهاب شهیدی معتقد بود که هر خواننده آواز باید نواختن حداقل یک ساز را بلد باشد. او که در نوازندگی عود چیره دست بود، در طول حیات هنری اش آهنگ های فراوانی ساخت و خواند که در این میان می توان به آلبوم هایی چون حرف ها (مجموعه کارهای شهیدی در برنامه گل ها)، «در مدح علی (ع)»، «دوبیتی های باباطاهر»، «راز عود»، «عود من خدا حافظ»، «گله دارم شتر بانا»، «نگاه گرم تو»، «تنها بیا»، «بی تو به سرنمی شود»، «گل های تازه» و تصنیف هایی مانند «اون نگاه گرم تو»، «گریه ربه مستی بهانه کردم» و «گریه کن که گریسل خون گری» اشاره کرد. صاحب نظران و کارشناسان موسیقی قطعاً می دانند که «گریه ربه مستی بهانه کردم» از عبدالوهاب شهیدی را در کنار ترانه هایی چون «مرا ببوس» حسن گلرغاف، «تو ای پری کجایی» حسین قوامی، «ای ایران» و «الهی نه» غلامحسین بنان، «روی برگ بنویسیم»، «چرا عاشق نباشم» و «مرحبا دل» اکبر گلپایگانی، «کوکبکشان» و «روزی بی غروب» محمدنوری و «مرغ سحر»، «بیداد»، «آستان جانان» و «ایران ای سرای امید» از محمدرضا شجریان، قله هایی در موسیقی ایران می دانند که قطعاً تا ابد در سینه ملت ایران باقی و جاوید خواهند ماند.

کار زندگی

عبدالوهاب شهیدی که همین چهار روز پیش برای مقابله با بیماری کووید-۱۹ واکسینه شده بود، در مهرماه سال ۱۳۰۱ در «میمه» اصفهان در یک خانواده مذهبی زاده شده بود. او مدرسه ابتدایی را در همان میمه گذراند و بعد در کاشان به تحصیل خود ادامه داد. شهیدی آموختن آواز را به شکل حرفه ای در انجمن باربدر زیر نظر اسماعیل مهرتاش آغاز کرد و همه

دعوا کنید، فوتبال مهم نیست!

بررسی مسابقات پرسپولیس و سپاهان که همیشه به درگیری ختم شده است



این دودر تونل برخوردی با هم پیدا کردند. باین حال در پایان مسابقه با وجود حضور پر تعداد هواداران، اتفاقی اینجینی رخ نداد و بازیکنان نسبتاً شریلی آرام، زمین را ترک کردند. نکته جالب اینکه آن مسابقه هم یک-یک شده بود.

بازی های پرسپولیس - سپاهان، همیشه دیداری جنجالی و جذاب بین دو تیم ریشه دار و قدیمی فوتبال ایران بوده و اتفاقاتی که در آن رخ داده، فارغ از حواشی ساده فوتبالی بوده و البته با نگاهی اخلاقی، قابل نکوهش است. اما واقعیت تنش های موجود، این مسابقه را در قالب رقابت های آمریکای جنوبی قرار می دهد؛ یک جنگ واقعی!

ناگفته نماند نکته مهم در بازی یکشنبه شب، شلوغی شدید اطراف زمین است که مشخص نیست با پورتکل های کرونا بی سازمان لیگ، چطور رخ داده و این پرسش مهمی است که ناظر بازی و مسئولان برگزار می باید به آن پاسخ دهند. ازدحام اطراف زمین و حضور افراد متفرقه را در آغاز این تنش ها نباید نادیده گرفت.

به پایان رسید و گلی در برن داشت اما در پایان، هواداران شاهد درگیری هایی بودند که شاید کسی تصورش را نمی کرد. برانکو ایوانکوویچ، سرمربی تیم پرسپولیس در حالی که قصد ترک زمین چمن را داشت، با هجمه سپاهانی ها در پشت سرش مواجه شد و واکنشی را از خود نشان داد که اهالی فوتبال کمتر از او دیده بودند.

روی سکوها اتفاقات تندتری هم رخ داد. حدود ۵ هزار سپاهانی در محاصره پرسپولیس ها قرار داشتند و درگیری ها نقش آفرینی کردند و حتی جان یک سرباز هم در آن ناحیه به خطر افتاد. سکوهای قرمزپوش در همان لحظات مشغول سر دادن شعارهایی تند علیه کادرفنی سپاهان بودند.

بازی رفت لیگ هجدهم / سپاهان یک - پرسپولیس یک
در بازی رفت لیگ هجدهم، نیز بازیکنان پرسپولیس و سپاهان درگیری هایی با هم داشتند. در لحظه پنالتی برای سرخپوشان، سعید آقایی، مدافع چپ کنونی پرسپولیس با احمد نوراللهی مهاجم جوان قرمزها درگیری شدیدی داشت و در لحظه اخراج کی روش استنلی و به تبع او، کمال کامیابی نیا،

پس از بازی تیم های پرسپولیس و سپاهان که با حواشی حداقلی در ورزشگاه نقش جهان برگزار شد، ناگهان یک اتفاق، جرقه درگیری در پیست تارتان و سپس تونل و سالن زیرزمین رازد و آتشی باور نکردنی از زرد خورد ها را برافروخت. حالا چند ساعت پس از این ماجراها طرفین مشغول اظهار نظر در این خصوص هستند. اما فارغ از همه این موضوعات، اهالی فوتبال در حال تلاش برای یافتن دلایل اصلی درگیری های نقش جهان و مقصران این اتفاقات عجیبند. با همه این مسائل اما این درگیری عجیب و باور نکردنی، بخش کوچکی از اتفاقاتی بود که در چارچوب بازی پرسپولیس - سپاهان رخ داده است.

تقابل پرسپولیس با سپاهان، یکی از جنجالی ترین دیدارهای تاریخ فوتبال ایران بوده است. از روزی که افشین پیروانی گل مشکوک را در اصفهان زد و پرسپولیس را به برتری رساند تا پنالتی شک برانگیز هادی عقیلی در نیمه نهایی جام حذفی و البته گل دقیقه ۶۹ در لیگ هفتم که جام را از سپاهان دور کرد و به پرسپولیس رساند.

شاید دموکراتیک ترین رویارویی غیر فوتبالی طرفین، سال گذشته و زمانی رخ داد که پس از حاضر نشدن سپاهانی هادر زمین و اعلام نتیجه ۳ بر صفر طرف اصفهانی و تهرانی در رسانه ها از خجالت هم در آمدند و مواضع خود را به شکلی تند، کنایه آمیز و بیعصا با توهین ابراز داشتند.

نیمه نهایی جام حذفی / سپاهان صفر - پرسپولیس یک
حالا می رسیم به درگیری های چند سال اخیر دو تیم؛ در چارچوب مرحله نیمه نهایی جام حذفی ۱۳۹۸-۹۷ اخراج کی روش استنلی جنجالی بزرگ را آفرید. پیش از او هم کمال کامیابی نیا درگیری مختصری با مهرداد محمدی داشت، اما لحظه اصلی، همین جایی است که کی روش به شکلی تعجب برانگیز با سرورشی رفیعی درگیر شده و گلوئی او را فشار می دهد.

بازی برگشت لیگ هجدهم / پرسپولیس صفر - سپاهان صفر
پیش از آن، بازی برگشت پرسپولیس - سپاهان که در ورزشگاه پراز تماشاگر آزادی برگزار شد این مسابقه با نتیجه صفر-صفر

گوشه و کنار

آیا استقلال همچنان شانس قهرمانی دارد؟

شکست بدموقع استقلال آن هم درست در شبی که دومدی بالای جدول متوقف شده بودند، رویای هفت ساله قهرمانی آبی ها را از همیشه کمزورتر کرد. آیا استقلال هنوز امیدی برای قهرمان شدن دارد؟ در لیگ نوزدهم، بعد از بیست و نهمین بازی استقلال بود که ویروس کرونا شعله ور شد و لیگ برتر برای ۱۱۷ روز تعطیل کرد. اتفاقاً در آخرین بازی قبل از تعطیلی کرونا بی، استقلال در سیرجان از گل گهر شکست خورد و در حالی به استقبال تعطیلات ناخواسته رفت که با یک بازی کمتر، ۱۱ امتیاز با صدرنشین لیگ (پرسپولیس) فاصله داشت. تقریباً حالتی مشابه امروز که فرهاد مجیدی بعد از شکست مقابل ذوب آهن، در حالی به یک سوم پائینی لیگ می رسد که با دو بازی کمتر، اختلافی ۱۱ امتیازی با سپاهان صدرنشین دارد. استقلال ۳۴ امتیازی در شرایط کنونی ۱۰ بازی دارد که یک بازی کمتر از پرسپولیس و یک بازی کمتر از سپاهان انجام داده است. این تیم برای اینکه به عبور از پرسپولیس و سپاهان امیدوار باشد، باید حدود ۲۶ یا ۲۷ امتیاز کسب کند؛ یعنی هشت برد و دو مساوی یا ۹ برد و یک شکست. این فرضیه، وقتی قابل اتکا می شود که شاگردان نوید کیا و گل محمدی دچار افت فاحشی نشوند و همچنان به کسب میانگین دو امتیاز از هر بازی ادامه دهند. یعنی اگر فرض کنیم سپاهان و پرسپولیس همزمان نزول کنند و امتیاز کمتری به دست بیاورند، آن وقت استقلالی ها می توانند امیدوار باشند که در حالی شبیه بایلیگ پانزدهم (قهرمان: استقلال خوزستان) یا لیگ سیزدهم (قهرمان: فولاد خوزستان) فقط با کسب ۵۷ امتیاز به قهرمانی برسند. در لیگ ایران، امتیاز گرفتن در هفته های پایانی به مراتب سخت تر از نیم فصل اول است. باین حال استقلال در سال های اخیر، در دو مقطع، در یک سوم پائینی لیگ، نتایج فوق العاده ای ثبت کرده. در لیگ شانزدهم (فصل ۹۵-۹۶)، استقلال که فصل را خوب شروع نکرده بود، با علی منصوریان در ۱۰ هفته پایانی ۲۳ امتیاز گرفت و سال بعد (فصل ۹۶-۹۷) وینفرد شفر که در میانه راه جانشین منصوریان شده بود، در ۱۰ بازی پایانی، درخشان ترین نتایج ممکن را گرفت و با کسب ۲۵ امتیاز، استقلال را از میانه جدول تارده سوم لیگ بالا کشید. حالا فرهاد مجیدی برای نزدیک شدن به قهرمانی، باید کاری فراتر از منصوریان و شفر انجام دهد و همه حریفان آینده را یکی بعد از دیگری شکست دهد. خبر خوب برای فرهاد مجیدی این است که هنوز دو بازی رودررو با حریفان مستقیمش دارد و اگر بتواند در دو بازی ۶ امتیازی، پرسپولیس و سپاهان را شکست دهد، گام بلندی برای نزدیک شدن به صدر جدول برمی دارد.